تماشاخانه

درباره «کابوس‌های خنده‌دار برای شب و چندتایی هم برای روز»

۲ نگاه متضاد به یک نمایش

احمد طالبی‌نژاد

● نمی‌دانم اینکه تئاتر دارد از نظر شکل و شمایل و شیوه‌های اجرایی به سینما نزدیک می‌شود، خوب است یا مایه تاسف؟ هنوز زود است در این‌باره قضاوت کرد، ولی این اتفاقی است که دارد می‌افتد. در سال‌های اخیر شاهد اجراهایی بوده‌ایم که گوشه چشمی به سینما داشته‌اند. از نمایش فیلم در پس‌زمینه گرفته تا استفاده از برخی عناصر واقعی مثل بارش باران بر صحنه و امثال اینها. آخرین و مهم‌ترین نمونه‌اش، نمایش عجیب‌وغریب «کابوس‌های خنده‌دار برای شب و چندتایی هم برای روز»، نوشته «محمد چرمشیر» به کارگردانی «رضا حداد» است که این‌روزها در تماشاخانه تهران بر صحنه است. به این نمایش از دو منظر می‌توان نگاه کرد:

نگاه نخست: در فقدان متن دراماتیک استخوان‌دار که از دل دردمند جامعه ایران آمده باشد، همه‌چیز این نمایش، در یک شوی عظیم که تلفیقی است از رقص و باله و بالماسکه، به کمک موسیقی متال و دود و باران و انواع و اقسام امکانات گرانقیمت فنی و تکنولوژیک که یک کامیون هجده‌چرخ برای حمل‌ونقلشان لازم است، خلاصه می‌شود تا تماشاگر نگون‌بخت در زیر بمباران نور و حرکت و صدا، مرعوب و منکوب شود. تماشاگر در فضایی مملو از دود و بخار و زیر ابری از کاغذپاره‌ها که به پر پرندگانی که در طول نمایش، می‌بینیم شباهت دارد، غرق می‌شود تا به مدت یک ساعت گوش و چشمش را پر کند و در انتها با اعصابی درب‌وداغان سالن را ترک کند، در حالی که انگار از یک سیرک بیرون آمده است، و حسرت فراوان برای جوانان شهرستانی که با دیدن این اجرا، به یاد امکانات خودشان می‌افتند که گاه حتی یک چراغ ساده هم برای اجرایشان ندارند و با لامپ کم‌مصرف صحنه را روشن می‌کنند. واضح است که این اجرا محصول سفرهای متعدد پدیدآورندگانش به سرزمین‌های دیگر و دیدن نمایش‌های مدرن است که در جغرافیای فرهنگی و اقتصادی خودشان توجیه‌پذیر است، نه در مملکتی که ۹۰درصد هنرمندانش از داشتن ساده‌ترین امکانات هم محرومند. بنابراین با این نگرش می‌توان نمایش ذکرشده را نوعی دهن‌کجی به تئاتر ملی دانست که در هجوم بی‌امان انواع شعبده‌بازی‌های وارداتی دارد رنگ می‌بازد. این از نگاه بدبینانه و منفی به این نمایش.

نگاه دوم: اگر می‌خواهید بدانید چرا ذهنتان انباشته از کابوس‌های هولناکی است که شب و روز آرامتان نمی‌گذارد، اگر می‌خواهید شاهد تجربه‌ای تازه و ناب در تئاتر امروز ایران باشید، این نمایش را ببینید. نگاهی فلسفی به رابطه آشوب‌های جهانی و تاثیرشان بر روح و روان انسان امروزی. نمایشی به غایت تلخ و سیاه از جنایت‌های بشر علیه خودش. تلفیقی از نمایش و سینما که توامان پیش چشم تماشاگر در جریان است. در تمام طول نمایش، فیلمی مستند و تکان‌دهنده از وقایع مهم قرن گذشته و آغاز قرن حاضر روی پرده‌ای به اندازه کادر اسکوپ، در پس‌زمینه وقایعی که بر صحنه می‌بینیم نمایش داده می‌شود و در پیش‌زمینه، گروهی بازیگر کابوس‌هایی که در ذهن کسی که هویت مشخصی ندارد و در نهایت می‌تواند انسان معاصر باشد را به نمایش می‌گذارند. نمایش همچون دیگر نوشته‌های چرمشیر فاقد ساختار دراماتیک است و بیشتر بر موقعیت‌های نمایشی استوار است. به عبارت دیگر متن موضوع‌محور نیست و بر مضمون تاکید می‌کند. اما اجرای قوی و میزانسن‌های ترکیبی پیچیده، استفاده فراوان از اسپیشیال‌افکت‌هایی که معمولا در سینمای فانتزی شاهدش بوده‌ایم، مثل بارش بی‌امان باران در صحنه، متن را عملا در حاشیه قرار می‌دهد و نمایش را به فیلمی زنده روی صحنه تبدیل می‌کند. درست در نیمه نمایش، جای این دو عوض می‌شود. یعنی خشونت جاری در فیلم مستند، به روی صحنه منتقل و تصاویر روی پرده، به کلاژی از تصاویر شاعرانه تبدیل می‌شود. تا بر این نکته تاکید کند که ما بی‌آنکه بخواهیم در معرض خشونت‌هایی که جهان امروز را انباشته قرار داریم و مجری این کسی جز خود ما نیست؛ این یک نگاه فلسفی به جهانی است که سال‌هاست با آرامش وداع کرده و روزبه‌روز، در خشونت فرو می‌رود. یادمان نرود که جهان پیش از رسانه‌های جمعی، جهانی به‌سامان‌تر و آرام‌تر بود. دست‌کم، عامه مردمان در روزگار فقدان رسانه‌های جمعی، از همه آنچه بر پهنه این کره خاکی می‌گذشت، باخبر نبودند. اما اکنون هیچ‌کس نمی‌تواند خود را به بی‌خبری بزند و بی‌خیال زندگی کند. چرمشیر و حداد در بیان این دنیای آشفته و کابوس‌وار موفق عمل کرده‌اند. بازیگرانی که اغلب جوانان خوش‌آتیه تئاتر امروز ما هستند، بی‌آنکه بر فردیتشان تاکید شود، در شکل و شمایلی که بیشتر عروسکی است، یک‌ساعت‌واندی روی صحنه جانفشانی می‌کنند، زیر باران می‌روند- زیر باران باید رفت (سپهری) - در انبوهی از دود و بو و صدای پرحجم غوطه‌ور می‌شوند، تا تصویر هولناک انسان امروزی را در معرض دید خودش قرار دهند. این نمایش عظیم که می‌توان آن را پرهزینه‌ترین نمایش ایرانی تا امروز قلمداد کرد، داستان پررنگ و روشنی ندارد تا بتوان برای دیگران تعریف کرد. این نمایشی است که باید دیده شود تا بدانیم از چه حرف می‌زنیم. تلاشی مهم و تا حدودی موفق برای حذف درام و جایگزینی نمایش روی صحنه که البته بسیار مرعوب‌کننده است و این نکته هم می‌تواند هم نقطه‌قوت باشد و هم نقطه‌ضعف. همین مرعوب کردن، امکانات و ابزاری می‌خواهد که در توان هر کسی نیست. من البته رضا حداد را خیلی نمی‌شناسم اما شنیده‌ام که خوشبختانه امکانات مالی خوبی دارد و به همین دلیل، می‌تواند هر چه در سر دارد را به اجرا درآورد. باز هم توصیه می‌کنم این نمایش را ببینید تا متوجه حرفم بشوید.

سازمان سینمایی اظهارات وزیر ارشاد را در مورد «خانه سینما» تکذیب کرد

«نقل‌قول» دردسرساز

فرانک آرتا

عکس: آیدین رهبر، شرق

درج اظهارنظر علی جنتی، وزیر ارشاد در نسخه آزمایشی پایگاه اطلاع‌رسانی دولت درباره «خانه سینما» خبر جنجالی روز گذشته خبرگزاری‌ها بود که به‌سرعت بازتابی وسیع یافت. اما ساعتی بعد روابط‌عمومی سازمان سینمایی اظهارات وزیر را تکذیب کرد. علی جنتی گفته بود: «سیاست وزارت فرهنگ‌وارشاد اسلامی، ایجاد یک «خانه سینما» با هیات‌مدیره‌ای جدید است تا تمام سینماگران را زیر یک سقف جمع کند.» و در عین حال افزوده بود: ««تفرقه و اختلافی که بین سینماگران افتاده را باید حل‌وفصل و ضوابط جدیدی را برایشان تعیین کرد.» در ادامه این اظهارات، وزیر ارشاد به لفظ «انحلال» هیات‌مدیره خانه سینمای فعلی اشاره کرده و افزوده بود: «هیات‌مدیره‌ای که در حال حاضر وجود دارد باید منحل شود و با تشکیل یک مجمع عمومی و انتخابات آزاد هیات‌مدیره جدید کار خودش را آغاز کند و همه تابع مجموعه جدید باشند.»

«شرق» پس از رسانه‌ای‌شدن این اظهارات، در گفت‌وگو با فرهاد توحیدی، رییس هیات‌مدیره خانه سینما، واکنش وی را جویا شد. فرهاد توحیدی، رییس هیات‌مدیره خانه سینما، تحلیل خود را از صحبت‌های وزیر چنین عنوان کرد: «آنچه از صحبت‌های وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی تعبیر می‌شود، این است که هیات‌مدیره فعلی باید وظیفه تشکیل مجمع عمومی را به نهاد دیگر واگذار کند. در حالی که مطابق قانون مادامی که مجمع عمومی هر موسسه به هر دلیلی برگزار نشود هیات‌مدیره موجود، مسوول اداره امور موسسه است و از جمله موظف است شرایط را برای برگزاری مجمع عمومی آماده کرده و سپس با اعلام فراخوان به تشکیل مجمع عمومی اقدام کند. بنابراین این وظیفه واگذارشدنی نیست.»

با این حال کمتر از یک‌ساعت بعد روابط‌عمومی سازمان سینمایی درباره نقل قول وزیر ارشاد درخصوص «خانه سینما» متنی به این شرح ارسال کرد: «پیرو خبر منتشرشده درخصوص اظهارات وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی مبنی بر اینکه هیات‌مدیره فعلی خانه سینما منحل و انتخابات آزاد تشکیل می‌شود، روابط‌عمومی سازمان سینمایی اعلام می‌دارد: باتوجه به مذاکره رییس سازمان سینمایی با وزیر محترم ارشاد، ایشان نقل این مطلب را تکذیب کردند.»

در ادامه این گزارش نوشته شده بود: «با توجه به اینکه بازگشایی «خانه سینما» طبق سیاست‌های جدید به سازمان سینمایی واگذار شده است به‌زودی سیاست‌های فراوری این مجموعه درخصوص بازگشایی خانه سینما اعلام خواهد شد. لذا از عموم رسانه‌ها درخواست می‌شود تا از گمانه‌زنی و نقل‌قول‌های غیرصحیح خودداری کنند تا اخبار جدید از طریق مجاری رسمی اعلام گردد.»

انتشار تکذیبیه سخنان وزیر از سوی سازمان سینمایی، «شرق» را بر آن داشت اظهارات فرهاد توحیدی را در این گزارش درج نکند؛ ضمن اینکه پیش از این علی جنتی طی اظهاراتی به ممکن بودن ایجاد دو «خانه سینما» اشاره کرده بود. همچنین درخصوص اظهارات جدید آقای وزیر و بعد تکذیب روابط‌عمومی سازمان سینمایی، خبرنگار «شرق» با حجت‌الله ایوبی، رییس سازمان سینمایی، تماس گرفت تا برخی ابهامات مطرح‌شده در این زمینه را مورد پرسش قرار دهد که متاسفانه نتیجه‌ای دربرنداشت.

توپ «شمقدری» در زمین «حسینی»

این‌روزها که با استقرار دولت تدبیر و امید، انتظار می‌رود «خانه سینما» هرچه سریع‌تر بازگشایی شود؛ اظهارنظرهای سیدمحمد حسینی، وزیر سابق ارشاد و همچنین پاسخ جواد شمقدری، رییس قبلی سازمان سینمایی درخصوص شکایت هیات‌مدیره «خانه سینما» به کمیسیون اصل ۹۰ ابعاد گسترده روند تعطیلی «خانه سینما» را نشان می‌دهد. چندی پیش سیدمحمد حسینی در گفت‌وگو با «تسنیم» درباره ریاست جواد شمقدری بر مسند سازمان سینمایی عنوان کرده بود: «ترجیح ما این بود فرد دیگری در این مسوولیت باشد؛ چون بر روی هیات هنرمندان مسلمان عده‌ای حساسیت داشتند و این اختلاف از قدیم در سینمای ایران وجود داشت. من چون در صداوسیما کار کرده بودم، فکر می‌کردم به‌جای اینکه یک سینماگر در این حوزه مسوول باشد باید یک مدیر در این جایگاه قرار می‌گرفت؛ البته مدیری که با سینما و هنر آشنایی داشته باشد؛ چون سینماگران روحیه لطیفی دارند و کمتر می‌توانند در کارهای اجرایی و مشکلات دوام بیاورند و معمولا اختلافاتی هم با یکدیگر دارند که کار را مشکل می‌سازد. به همین دلیل نظرم این بود که یک فردی را در این مسوولیت بگذاریم که از ابتدا مورد هجمه قرار نگیرد ولی خوب این اتفاق نیفتاد و دیدیم که از همان شروع کار عده‌ای موضع گرفتند...»

این‌روزها هم کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی مجلس در حال بررسی موضوع شکایت مسوولان «خانه سینما» از جواد شمقدری به‌عنوان مسوول وقت سازمان سینمایی است. جواد شمقدری درباره موضوع تعطیلی «خانه‌سینما» در گفت‌وگو با ایلنا اعلام کرد: «شکایتی که صورت گرفته از وزارت ارشاد بوده است. البته من مبنای شکایت را دقیق نمی‌دانم. اما افراد می‌توانند از دستگاه‌های مختلف به کمیسیون اصل ۹۰ شکایت کنند.»

وی ادامه داد: «کمیسیون از ما یک گزارش درباره روند تعطیلی و انحلال خانه سینما و همچنین اقدام ارشاد برای گرفتن «خانه سینما» خواستند که من به‌همراه یک کارشناس حقوقی در جلسه شرکت و گزارش را ارایه کردیم.»

همچنین شمقدری اشاره کرد: «مرجع شکایت وزارتخانه است و از آنجایی که من مطلع بودم، در این جلسه از کمیسیون شرکت کردم و گفتم هر اتفاقی که درباره «خانه سینما» افتاده است با دستور وزیر ارشاد و بر اساس مبانی قانونی و اختیارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده است و ارتباطی به من ندارد.»

همچنین شمقدری با انداختن توپ به زمین وزیر اسبق ارشاد افزوده: «وزارتخانه هر حکم یا دستوری داده است بر اساس قانون و قوانین موجود و با دستور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده است و حتی یک نامه و حکم هم با امضای رییس سازمان سینمایی نبوده است.»

چهره روز

بازیگر صاحب‌نام برای زندانیان کلاس بازیگری می‌گذارد

تیم رابینز در «زندان»

نیما توسلی

● زمانی با «مورگان فریمن» در زندان بود و به‌عنوان یک زندانی بی‌گناه، به جرم قتل همسرش مجبور بود همه عمر را پشت میله‌ها سر کند. آن موقع، سال ۱۹۹۴ بود و«تیم رابینز» ۳۵ساله، بازی به‌یادماندنی خود را در«رهایی از شاوشنک» به نمایش گذاشت؛ فیلمی که شهرت زیادی برای او به همراه داشت. در انتها او از زندان گریخت تا به رستگاری برسد.

حالا سال ۲۰۱۳ است و او در ۵۴سالگی باز هم به زندان رفته، اما این بار نه به‌عنوان زندانی بلکه به‌عنوان یک مربی! او قرار است در یکی از زندان‌های امنیتی کالیفرنیا برای زندانیان کلاس‌های بازیگری برگزار کند تا شیوه دیگری از رستگاری را تجربه کند.

گروهی به نام «The Actors' Gang» (باند بازیگران)، متولی اصلی این اقدامات، بیش از هفت سال است که این پروژه را راه‌اندازی کرده است. این گروه در واقع یک شرکت فعال در نمایش و تئاتر است که در سال ۱۹۸۱ و توسط خود «رابینز» تاسیس شده است. او هدف اصلی چنین اقداماتی در زندان را روحیه حاکم بر زندان اعلام کرده و معتقد است که «زندانیان به‌خاطر شرایطی که دارند، دنبال بروز احساسات خود و خلق واقعیت‌های جدید هستند تا حقایقی جدید را برای خود ایجاد کنند.»

این بازیگر که برای بازی در فیلم «رودخانه مرموز» در سال۲۰۰۳، جایزه اسکار برای بهترین هنرپیشه مکمل مرد را در کارنامه خود دارد، تجربه بازی در «رهایی از شاوشنک» را در تداوم کاری خود برای آموزش به زندانیان تاثیرگذار دانسته است. تاکنون بیش از ۳۳۰نفر از زندانیان از آموزش‌های این گروه بهره برده‌اند و این اقدامات به‌صورت کاملا داوطلبانه صورت می‌گیرد.

لازم به ذکر است که«تیم رابینز»، خود برای بازی در«رهایی از شاوشنک» به‌طور داوطلبانه مدت‌زمانی را در تنهایی و به‌طور مستقیم در زندان گذرانده بود تا این نوع خاص از زندگی را تجربه کند.

زیر آسمان فیروزه‌ای

۱۰ گروه تئاتری دور هم جمع شدند

«دایره ۱۰» رویای رسیدن به «اتحادیه تئاتر»

شرق: ۱۰ کارگردان و گروه فعال تئاتر یک ماهی است دورهم جمع شده و «دایره ۱۰» را به وجود آورده‌اند. گروهی که قصد دارد موانع پیش‌روی گروه‌های حرفه‌ای تئاتر را از سر راه بردارند و فعالیت‌های تئاتر را به سمت «تئاتر خصوصی» ببرند. از مهم‌ترین این موانع، به وجودآوردن مجتمعی خصوصی برای اجرای تئاتر است. محمد چرمشیر سخنگوی دایره ۱۰ روز چهارشنبه در نشستی با خبرنگاران درباره فلسفه شکل‌گیری گروه دایره۱۰ گفت: «در تئاتر ما گروه‌هایی بودند که بارها تلاش کردند دور یکدیگر جمع شوند تا با استفاده از این ظرفیت فعالیت تئاتری خود را پی بگیرند. اما هر بار این جمع‌شدن اتفاق نیفتاده تا امروز که ۱۰گروه فعال تئاتر کشور تصمیم گرفتند در کنار یکدیگر قرار بگیرند و فعالیت خود را در یکجا متمرکز کنند و به این شیوه پیش بروند. اینها، گروه‌هایی هستند که تلاش می‌کنند طور دیگری به تئاتر نگاه کرده و جریان‌های نوتری را مدنظر قرار می‌دهند. همچنین این گروه‌ها علاقه‌مند به کار هستند؛ به‌جز مواقعی که مانعی بر سر راه آنها گذاشته می‌شود.»این ۱۰گروه عبارتند از: آتیلا پسیانی (تئاتر بازی)، حمید پورآذری (پاپتی‌ها)، رضا ثروتی (مکث)، رضا حداد (سایه)، آروند دشت‌آرای (ویرگول)، علی‌اصغر دشتی (دن‌کیشوت)، همایون غنی‌زاده (مونگو)، امیررضا کوهستانی (مهر شیراز)، رضا گوران (یرما)، حسن معجونی (لیو) و محمد چرمشیر. اما رسیدن به جریان خصوصی تئاتر یکی از اهداف این ۱۰ گروه تئاتری است. به گفته چرمشیر این حرکت به سمت خصوصی‌شدن، به این معنا نیست که دولت مسوولیت خود را سلب کند: «رویکرد به سمت تئاتر خصوصی به معنی چشم‌پوشی کامل از سوبسیدهای دولتی نخواهد بود. برخلاف آنچه تا امروز جا افتاده، اصلا قرار نیست ارتباط گروه تئاتر ۱۰ با بخش دولتی قطع شود. گروه اعتقاد دارد که دولت همچنان باید از تئاتر حمایت مالی کند و در جهت رفع موانع موجود در سر راه هنرمندان گام بردارد. سوبسیدی که دولت پرداخت می‌کند از نظر ما به هیچ‌وجه مبنای سفارش هنرمندان قرار نخواهد گرفت بلکه حقی است که باید پرداخت شود.»چرمشیر چشم‌انداز گروه دایره ۱۰ را رسیدن به «اتحادیه تئاتر» می‌داند: «شعاری که در روزهای نخست جمع‌شدن اعضا مطرح شد نیز این بود، تشکلی از گروه‌های همگرا و متنوع در جهت نزدیک‌شدن به استقلال و گسترش تئاتر در کشور.»

عکس روز

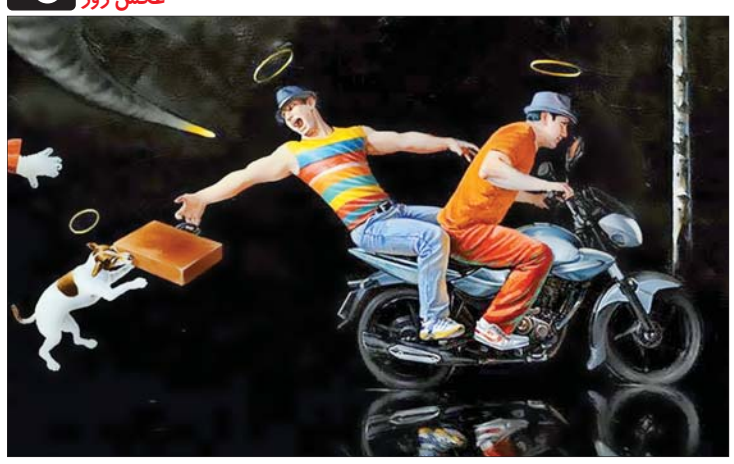

نمایشگاه نقاشی‌های هومن بیات در گالری شکوه که با موضوع جالب توجه «کیف‌قاپ‌ها» مورد توجه اهالی رسانه و اقشار مختلف مردم مواجه شده، تا ۱۹شهریور تمدید شد. در پنج‌روز نخست برپایی این نمایشگاه سه اثر از مجموعه «کیف‌قاپ‌ها» و یک اثر از مجموعه «کودکان» هومن بیات به فروش رسیده. این نمایشگاه که حاوی نقاشی‌های فیگوراتیو و کنش‌های نقاشانه جالب‌توجه در بهره‌مندی از تکنیک‌های مختلف است، چهار موضوع محوری را مدنظر خود قرار داده؛ «کیف‌قاپ‌ها» شامل شش اثر، «کودکان» ۱۱ اثر، «آتش و انسان» دو اثر و «سیل پاکستان» که در سال ۲۰۱۰ اتفاق افتاد، یک اثر است. علاقه‌مندان به بلوار اندرزگو، خیابان شهید سلیمی، کوچه امیر نوری، پلاک ۱۹ مراجعه کنند.

هنوز هزار تومان خیلی می‌ارزه

درمان بیش از ۹۰۰۰ کودک مبتلا به سرطان تنها با وجود دارو و بهترین امکانات درمانی ممکن می‌شود. ۶۰ درصد از هزینه های درمان سرطان برای خرید دارو مصرف می‌شود. در تأمین هزینه های دارویی کودکان مبتلا به سرطان محک مشارکت کنید.

شماره حساب: بانک سامان ۱-۸۲۰۵۰۰-۸۱۰

۰۲۱-۲۳۵۴۰

محک

مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان

mahak-charity.org